

Naṣīr al-Dīn Ṭūsī, *Naṣīr al-Dīn al-Ṭūsī's memoir on astronomy = Al-Tadhkira fī'ilm al-hay'a*, ed. and tr. F. J. Ragep, New York 1993; F. Jamil Ragep, "The Persian context of the Ṭūsī Couple", in *Naṣīr al-Dīn al-Ṭūsī: philosophe et savant du XIII<sup>e</sup> siècle*, ed. N. Pourjavady and Ž. Vesel, Tehran: Institut français de recherche en Iran, 2000; N. M. Swerdlow and O. Neugebauer, *Mathematical astronomy in Copernicus's de revolutionibus*, New York 1984.

/ جمیل رجب و بهناز هاشمی پور /

### جفر جامع ← جفر و جامعه

**جَفر و جامعه**، عنوان دو کتاب حدیثی به املائی پیامبر اکرم و نگارش حضرت علی علیه‌السلام، که بعدها سبب به وجود آمدن علم جفر شد.

جفر، واژه‌ای عربی است که در فرهنگهای لغت بر گونه‌ای خاص از بره یا بزغاله (جوهری؛ ابن‌منظور؛ قتیومی؛ مرتضی زبیدی، ذیل واژه)، چاهی با دهانه‌گشاد که سنگ چین نشده (همانجاها؛ ابن‌اثیر؛ ابن‌فارس، ذیل واژه)، نوزاد انسان (ابن‌منظور؛ مرتضی زبیدی، همانجاها) و بچه شتر (همانجاها) اطلاق شده است. استعمال واژه جفر در معنای پوست گوسفند یا گاو — که مفاد بسیاری از روایات حاکی از آن است (برای نمونه به صفار قمی، ص ۱۵۳-۱۵۶؛ کلینی، ج ۱، ص ۲۴۱؛ ابن بابویه، ج ۴، ص ۱۴۱۴؛ ج ۴، ص ۴۱۹؛ همو، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۵۲۸؛ همو، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۹۲-۱۹۳) — یا از باب حذف مضاف و توسع در لغت است یا از این باب که واژه جفر برای گونه‌ای خاص از پوست گوسفند یا گاو، عَلم (اسم‌خاص) گشته است (عاملی، ص ۳۲).

در پاره‌ای روایات وجود کتابی به نام «کتاب جفر» نزد امامان شیعه گزارش شده (برای نمونه به صفار قمی، ص ۱۵۸-۱۵۹؛ مجلسی، ج ۵۱، ص ۲۲۰) که محتوای آن ذکر حوادث آینده تا روز قیامت است (مجلسی، همانجا). در برخی گزارشها نام این کتاب در کنار کتاب جامعه یاد شده است (برای نمونه به حاجی خلیفه، ج ۱، ستون ۵۹۱). بنا بر روایتی از امام کاظم علیه‌السلام، جز نبی و وصی نبی، کسی نمی‌تواند در آن بنگرد و نگرستن در آن از امتیازات اوصیای پیامبر است (صفار قمی، همانجا).

ناگزیر بود برای حل نظریه عرضی سیاره‌ها، به دوایر کوچک، که سبب اختلال در حرکت طولی سیاره می‌شد، تکیه کند (همان، ج ۲، شرح رجب، ص ۴۴۹-۴۵۰).

الگوهای طوسی تأثیر عمیقی بر تاریخ نجوم گذاشت. این تأثیر نخست در کارهای شاگرد و همکار وی، قطب‌الدین شیرازی و ابن‌شاطر دمشقی (۷۰۶-۷۰۷)، بروز یافت و پس از آن نیز تقریباً در تمامی نوشته‌های نجوم نظری، تألیف شده تا سده سیزدهم، در سرزمینهای شرقی اسلامی تأثیر نهاد (>دایرةالمعارف تاریخ علوم عربی<<sup>۱</sup>، ج ۱، ص ۹۳-۱۰۰). از دیدگاه فرهنگی نیز جفت طوسی با راه یافتن به متون سنسکریت و بیزانسی و نیز آثار چندین اخترشناس دوره نوزایی، از جمله کپرنیک (۱۴۷۳-۱۵۴۳ م)، پیامدهایی داشته است (>نجوم عربی به زبان سنسکریت<<sup>۲</sup>، ص ۷-۸؛ سوردلو<sup>۳</sup> و نویگه باونز<sup>۴</sup>، ج ۱، ص ۴۷-۴۸). کپرنیک هر دو شکل خطی و منحنی جفت طوسی را در یکی از نخستین آثار انتشار نیافته‌اش به نام >شرحی مختصر بر فرضیه حرکتهای آسمانی و نظم حاکم بر آنها<<sup>۵</sup> (برای مدار و عرض عطارد) به کار برد. در اثر معروف دیگرش، به نام >گردش افلاک آسمانی<<sup>۶</sup>، هم بار دیگر الگوی جدید را برای عطارد، عرض سیارات، حرکت اعتدالین و تغییرات دوره‌ای میل دایرةالبروج به کار گرفت.

منابع: کلاودیوس بطلیموس، تحریر مجسطی، نسخه خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۵۴۵۲؛ محمدبن محمد نصیرالدین طوسی، حل مشکلات معینه، چاپ عکسی از نسخه خطی کتابخانه ملی ملک، ش ۳۵۰۳/۲، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۵ ش الف؛ همو، الرسالة المعینه، چاپ عکسی از نسخه خطی کتابخانه ملی ملک، ش ۳۵۰۳/۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۵ ش ۳.

*Arabic astronomy in Sanskrit: Al-Bīrjandi on Tadhkira II, chapter 11 and its Sanskrit translation*, edited, commented and translated by Takanori Kusuba & David Pingree, Leiden: Brill, 2002; *Encyclopedia of the history of Arabic science*, ed. Roshdi Rashed, London: Routledge, 1996, s.v. "Arabic planetary theories after the eleventh century AD" (by George Saliba); Edward S. Kennedy, "Late medieval planetary theory", *Isis*, vol.57 (1966), repr. in Edward S. Kennedy, *Studies in the Islamic exact sciences*, Beirut 1983; R. Morrison, "Qūṭb al-Dīn Shīrāzī's hypotheses for celestial motions", *Journal for the history of Arabic science*, vol. 13 (2005); Muḥammad b. Muḥammad

1. *Encyclopedia of the history of Arabic science*

2. *Arabic astronomy in Sanskrit*

3. Swerdlow

4. Neugebauer

5. *De hypothesisibus motuum coelestium a se constitutis commentarius*

6. *De revolutionibus orbium coelestium*

افزون بر کتاب جفر، در برخی روایات شیعه بر وجود دو جفر دیگر به نامهای «جفر ابیض [= سفید]» و «جفر احمر [= سرخ]» نزد امامان تأکید شده است (برای نمونه به صفار قمی، ص ۱۵۰-۱۵۱؛ کلینی، ج ۱، ص ۲۴۰؛ مفید، ج ۲، ص ۱۸۶؛ طبرسی، ج ۲، ص ۱۳۴؛ اربلی، ج ۲، ص ۳۸۲؛ مجلسی، ج ۲۶، ص ۱۸، ۳۷-۳۸). امام صادق علیه السلام در روایتی (به مجلسی، ج ۲۶، ص ۳۷-۳۸) این پندار را که این دو جفر، پوستهایی اند که بر روی آنها مطالبی نوشته شده، نگی و تأکید کرده که جفر ابیض و احمر تنها دو انبان چرمین اند که در اولی شماری کتاب و در دومی شمشیر رسول خدا قرار داشته است. بنابر احتمالی، که بعید به نظر می رسد، احمر و ابیض صفت احکامی است که در این دو جفر آمده که برخی برای جنگ و قتال و خونریزی و برخی دیگر برای مسالمت و سازش است (به بونی، ج ۳، ص ۳۳۵).

براساس برخی روایات که محتوای این دو جفر را گزارش کرده اند (برای نمونه به مجلسی، ج ۲۶، ص ۴۲-۴۳، ۴۶، ۴۹) و از مقایسه آنها با روایتهای کتاب جامعه، روشن می شود که در جفر ابیض علاوه بر برخی کتابهای آسمانی پیشین و مصحف فاطمه، کتاب جامعه (به ادامه مقاله) نیز وجود داشته است.

اکرم احمد برکات عاملی (ص ۴۹-۵۰)، با استناد به روایتی از امام صادق علیه السلام (به صفار، ص ۱۶۰)، از جفری دیگر نیز یاد کرده که از چرم گاو بوده است. وی با بررسی روایات به این نتیجه می رسد که این جفر، انبانی چرمین و بزرگ بوده است که جفر ابیض و احمر را درون آن نهاده بودند (ص ۵۱-۵۲).

مفاد برخی از روایات اهل بیت علیهم السلام حاکی است که این کتابها و شمشیر رسول خدا میان امامان شیعه دست به دست می گشته و اکنون نیز نزد امام حجت بن الحسن علیه السلام است (برای اطلاع از نحوه انتقال آنها در میان امامان شیعه و روایتهای آن به عاملی، ص ۱۲۵-۱۳۳؛ حسین زاده باجگیران، ص ۴۷-۴۸). براساس برخی روایات شیعه، شمشیر رسول خدا و این کتابها نزد هر کس باشد، نشانه امامت اوست (برای نمونه به صفار قمی، ص ۱۵۸، ۱۶۳-۱۶۴؛ ابن بابویه، ۱۳۶۱ ش، ص ۱۰۲-۱۰۳؛ همو، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۹۲-۱۹۳؛ مجلسی، ج ۲۶، ص ۴۶-۴۷)، مانند تابوت بنی اسرائیل که نزد هر کس بود، نشانه نبوت و رسالت او بود (به عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۹). امامان شیعه نیز در روایاتی، با به کارگیری تعبیری مثل «عندی» یا «عندنا»، بر این امر تأکید کرده اند (برای نمونه به صفار قمی، ص ۱۵۰-۱۵۲؛ کلینی، ج ۱، ص ۲۴۰-۲۴۲؛ مجلسی، ج ۲۶، ص ۲۲، ۲۴). صفار قمی (ص ۵۰۶-۵۰۷) آغاز جفر را در روایتی منسوب به امام موسی الكاظم علیه السلام این گونه آورده است که در روزهای پایانی عمر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، همه اخبار

گذشته و آینده تا روز قیامت و تأویل همه آیات و نام اوصیا از خاندان آن حضرت و آنچه بر ایشان می گذرد و نیز توصیه یکایک ایشان و شیعانشان به صبر، بر آن حضرت وحی شد و پیامبر به امر خدا آنها را بر علی علیه السلام املا فرمود و آن حضرت نیز با مرکب سبز رنگی که جبرائیل از بهشت آورده بود، این مطالب را بر روی پوست یک جفّرة (بره یا بزغاله ماده)، که آماده شده بود، نوشت. در پایان این روایت تصریح شده است که اوصیای پیامبر همه اخبار ملاحم را از این نوشته برگرفته اند (نیز به مجلسی، ج ۲۶، ص ۲۶-۲۷؛ آملی، ج ۲، ص ۹۳-۹۴).

بنابر روایتی که کلینی (ج ۱، ص ۲۷۹-۲۸۰) نقل کرده است، خداوند مشی کلی امامان شیعه را در نوشته ای بر رسول خدا نازل کرده است؛ احتمالاً این نوشته همان جفر و جامعه است که امام رضا علیه السلام به هنگام پذیرش ولایتعهدی مأمون از آن یاد کرده و در پایان عهدنامه چنین نوشته است: «ولایتعهدی را می پذیرم، ولی مضمون جفر و جامعه برخلاف آن دلالت دارند»

و گواهانی نیز بر مضمون آن گواهی دادند (برای اطلاع از متن عهدنامه مأمون و پاسخ امام رضا علیه السلام به مجلسی، ج ۴۹، ص ۱۴۸-۱۵۳). در روایتی دیگر آمده است که امام رضا در پایان عهدنامه نوشت: «مضمون جفر و جامعه چنین بیان می دارد که امر ولایتعهدی بتمامه منعقد نخواهد شد» (جرجانی، ج ۶، ص ۲۲). ابن طفطقی در الفخری فی الأداب السلطانیة (ص ۲۶۰)، جرجانی در شرح المواقف (همانجا) و طاشکوپری زاده (ج ۲، ص ۴۲۵)، متن کامل پاسخ امام رضا علیه السلام را، با اندک اختلافی در واژگان، آورده اند. به تصریح طاشکوپری زاده (ج ۲، ص ۴۲۶)، امر همان گونه که امام رضا پیش بینی کرده بود، اتفاق افتاد؛ ولایتعهدی منعقد نشد و مأمون که از ناحیه بنی هاشم احساس خطر کرده بود، امام رضا را با سم به شهادت رساند.

جامعه نیز عنوانی است مشهور برای کتابی از علی علیه السلام به املائی رسول خدا (برای اطلاع از این کتاب و محتوا و حجم آن به صفار قمی، ص ۱۴۲-۱۴۶؛ کلینی، ج ۱، ص ۲۳۹، ج ۷، ص ۱۲۵؛ مجلسی، ج ۲۶، ص ۲۵). طبق نوشته های برخی عالمان شیعی، این اثر نخستین کتاب حدیثی است (به صدر، ص ۲۷۹؛ مدیر شانه چی، ص ۶۷). در روایات و گزارشهای رسیده، این کتاب با عنوانهای «کتاب علی» (برای نمونه به قمی، ج ۱، ص ۲۴۴؛ صفار قمی، ص ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۶۵؛ کلینی، ج ۱، ص ۴۱، ۴۰۷؛ ابن بابویه، ۱۴۱۷، ص ۳۸۵؛ همو، ۱۳۶۴ ش، ص ۲۲۷، ۲۳۳؛ همو، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۶۷، ۱۲۴؛ همو، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۴، ج ۲، ص ۵۸۴؛ همو، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۷۵؛ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۵۱، ج ۲، ص ۶۴؛ همو، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۲۴۳، ج ۳، ص ۲۸) و «صحیفه» (صفار قمی، ص ۱۵۳-۱۵۵؛ مجلسی، ج ۲۶، ص ۲۲، ۲۴-۲۵) نیز آمده است. تعدد عنوانها حاکی از تفاوت

تعبیرهایی نیز برگسترده و حجیم بودن کتاب جامعه دلالت دارد، از جمله «طولها سبعون ذراعاً» (درازای آن به اندازه هفتاد ذراع است؛ صفار قمی، ص ۱۵۱-۱۵۳، ۱۵۵؛ کلینی، ج ۱، ص ۵۹، ۲۹۵، ج ۷، ص ۱۲۵؛ مجلسی، ج ۲۶، ص ۲۲، ۲۴-۲۵)، «مِثْلُ فَيْحِذِ الْبَعِيرِ» ([قطر آن] مانند ران شتری فربه است؛ صفار قمی، ص ۱۷۳؛ طوسی، ۱۴۰۱، ج ۹، ص ۲۷۱) و «کتاباً مدروجاً عظيماً» (نوشته‌ای به هم پیچیده و بزرگ؛ حرّعاملی، ج ۱، ص ۶۲).

امتیاز مهم جامعه بر دیگر کتابهای منسوب به امام علی علیه‌السلام این است که به رؤیت افراد متعددی رسیده، هر چند که درباره کتاب جفر در روایت آمده است: «جز نبی و وصی نبی کسی نمی‌تواند در آن بنگرد» (مفید، ج ۲، ص ۲۴۹-۲۵۰؛ قطب راوندی، ج ۲، ص ۸۹۷). به نوشته عبدالحلیم جُندی (ص ۲۰۰) حتی منصور عباسی (حک: ۱۳۶-۱۵۸) نیز موفق به رؤیت کتاب جامعه شده است. برخی از راویانی که موفق به رؤیت کتاب جامعه یا بخشهایی از آن شده‌اند، بدین قرارند: ابویسیر مرادی (صفار قمی، ص ۱۴۳؛ کلینی، ج ۷، ص ۱۱۹؛ طوسی، ۱۴۰۱، ج ۹، ص ۳۲۴)، عبدالمملک بن أعین (صفار قمی، ص ۱۵۳)، محمد بن مسلم (کلینی، ج ۶، ص ۲۱۹-۲۲۰؛ طوسی، ۱۴۰۱، ج ۹، ص ۲)، زُرّارة بن أعین (کلینی، ج ۷، ص ۹۴-۹۵؛ طوسی، ۱۴۰۱، ج ۹، ص ۲۷۱؛ همو، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۸۷)، مُعْتَب (صفار قمی، ص ۱۴۵)، ابن بُکَیْر (کلینی، ج ۳، ص ۳۹۷) و وهب بن عبد الله سُوانی (ابن بطریق، ص ۳۱۴). مجید معارف (ص ۴۳-۴۵) نیز بیش از چهل تن را نام برده که برخی از آنان هر چند کتاب جامعه را ندیده‌اند، اصل وجود آن را روایت کرده‌اند (برای اطلاع بیشتر درباره اسناد و مدارک این کتاب به معزی ملایری، ج ۱، مقدمه حسین بروجردی، ص ۳۲-۳۷).

گفتنی است تفکیک محتوایی که میان دو کتاب جفر و جامعه در گزارشهای شیعی دیده می‌شود، در غالب متقولات عامه وجود ندارد، حتی در پاره‌ای از گزارشهای اهل سنت، که از این دو کتاب به طور جداگانه یاد شده، محتوای آن دو، یک چیز معرفی شده است (برای نمونه به جرجانی، ج ۶، ص ۲۲). طاشکوبری‌زاده (ج ۲، ص ۴۲۵)، و به تبع او حاجی خلیفه (ج ۱، ستون ۵۹۱)، با استحسانی فلسفی - عرفانی، جفر و جامعه را عبارت از علم اجمالی دانسته‌اند به هر آنچه به نحو کلی یا جزئی در گذشته انجام گرفته است یا در آینده به وقوع خواهد پیوست، و در نتیجه، جفر را همان لوح قضا (یا عقل کلی) و جامعه را همان لوح قَدَر (یا نفس کلی) معرفی کرده‌اند. در نوشته‌های اهل سنت، کتاب جفر بیشتر به امام صادق علیه‌السلام نسبت داده شده است. ابن خلدون (ج ۱: مقدمه، ص ۴۱۵-۴۱۶) اصل کتاب جفر را از امام جعفر صادق دانسته که هارون بن سعید (سعد) عجل، پیشوای زیدیان، از وی روایت

این کتابها نیست، بلکه از ویژگیهای یکسانی که در روایات برای آنها ذکر شده، نتیجه گرفته می‌شود که این عنوانها حاکی از یک حقیقت‌اند. بنابر روایاتی که در وصف این کتاب با عنوانهای پیش گفته وارد شده، این کتاب دو ویژگی بارز دارد: یکی این که املائی آن را پیامبر اکرم و نگارش آن را علی علیه‌السلام برعهده داشته است (برای نمونه به صفار قمی، همانجا؛ کلینی، ج ۷، ص ۹۳-۹۴، ۹۸؛ مجلسی، ج ۲۶، ص ۲۳-۲۵) و دوم این که محتوای آن همه احکام و حلال و حرامهایی است که مردم در طول اعصار بدان نیاز دارند، حتی در پاره‌ای روایات برای تأکید این امر که مطالب کتاب را پیامبر اکرم املا فرموده است، عبارت «مِنْ فُلُقِ فِیه» (از میان دو لب مبارکش) نیز آمده است (برای نمونه به صفار قمی، ص ۱۲۳، ۱۵۲؛ کلینی، ج ۱، ص ۲۳۹). همچنین برای تأکید بر جامعیت آن، در برخی روایات آمده است که «حتی جریمه خراش رساندن» که از کوچک‌ترین و کم اهمیت‌ترین موضوعات است، در این کتاب وجود دارد (به همانجا؛ نیز به مجلسی، ج ۲۶، ص ۲۲، ۲۴-۲۵). شاید یکی از علل نامگذاری این کتاب به جامعه، احتوای آن بر جملگی مسائل احکام و حلال و حرام باشد.

نظر به گستردگی کتاب جامعه، باید صحیفه یا کتاب کوچکی را که در برخی مصادر اهل سنت و شیعه، خبر وجود آن روایت شده (به ابن حنبل، ج ۱، ص ۱۰۰، ۱۱۹، ۱۵۱؛ بخاری، ج ۱، ص ۳۶، ج ۴، ص ۳۰، ۶۷، ۶۹، ج ۸، ص ۱۰، ۴۵، ۴۷؛ برقی، ج ۱، ص ۱۷-۱۸؛ نسائی، ج ۸، ص ۱۹، ۲۳-۲۴؛ حرّعاملی، ج ۲۹، ص ۱۶) و حتی آن‌قدر کوچک بوده که در غلاف شمشیر رسول خدا یا علی علیه‌السلام جای می‌گرفته است (برقی، همانجا؛ صدر، ص ۲۷۹)، مکتوبی غیر از کتاب جامعه دانست (حسینی جلالی، ص ۵۸-۵۹) یا با نظر به محتوای اندک این صحیفه، آن را بخشی از کتاب جامعه به شمار آورد. این مدعا با مفاد پاره‌ای از روایات (برای نمونه به روایتی از امام باقر در صفار قمی، ص ۱۴۴؛ نیز گفتاری از زید بن علی بن حسین در کُشّی، ص ۳۷۶) همخوانی دارد و حتی عنوانهایی دیگر نظیر «صحیفه کتاب الفرائض» (به طوسی، ۱۴۰۱، ج ۹، ص ۲۴۷؛ حرّعاملی، ج ۲۶، ص ۷۴) نیز به بخشهایی از کتاب جامعه اشاره دارد؛ یعنی، جامعه کتابی با بخشهای گوناگون بوده است که مردم، با توجه به محتوای بخشها، با نامهای گوناگون از آن یاد می‌کرده‌اند (حسین‌زاده باجگیران، ص ۳۹؛ قس آقابزرگ طهرانی، ج ۲، ص ۳۰۶-۳۰۷).

بنابر مجموع روایات، جامعه کتابی جامع و در بردارنده موضوعات گوناگون فقهی، مانند نماز، ادعیه، معاملات، قضا، شهادت (گواهی دادن به هنگام داور)، حدود و دیات، مسائل ارث و نیز برخی موضوعات اخلاقی و اعتقادی بوده است.

کرده و در آن حوادثی ذکر شده است که در آینده برای اهل بیت پیامبر اکرم اتفاق خواهد افتاد و کتاب را به اعتبار پوستی که مطالب روی آن نوشته شده بوده، جفر نامیده‌اند. به نظر ابن خلدون (همانجا) اگر چه امام جعفر صادق علیه السلام برخی نزدیکانش را از رخداد‌های ناگوار آینده بر حذر می‌داشت و رخدادها درست همانگونه که او پیش بینی کرده بود، به وقوع می‌پیوست، اما در وجود چنین کتابی که تنها برخی اشارات عاری از هرگونه دلیل در اعتبار آن رسیده - باید تردید کرد. ابن قتیبه (ص ۴۸-۴۹) نیز به رافضیان درباره ادعای علم باطنی و وجود کتاب جفر نزد آنان خرده گرفته؛ چه، همان هارون بن سعید که این کتاب را روایت کرده، در یکی از سروده‌های خود از جفر و هر که به جفر می‌پردازد، بیزاری جسته است. همچنین بشر بن معتمر هلالی (متوفی ۲۲۶)، رئیس معتزلیان بغداد، در شعری به رافضیان طعنه زده که جفر آنان را غرّه ساخته است (به جاحظ، ج ۶، ص ۲۸۹). به نظر می‌رسد ادعای اطلاع از کتاب جفر و روایت آن از سوی هارون بن سعید (سعد) عجلی که در کتب رجال شیعه (به کثی، ص ۲۳۱؛ خوئی، ج ۲۰، ص ۲۴۸) توثیق نشده است - با این مطلب که اهل بیت علیهم السلام کتاب جفر را از بیگانگان کتمان می‌کردند (به حاجی خلیفه، همانجا)، سازگار نیست. به عقیده ابوزهره (ص ۲۹، ۹۸)، فرقه خطابیّه اندیشه‌های راجع به جفر را در میان شیعیان دوازده امامی رواج داد (نیز به مقریزی، ج ۴، ص ۱۷۴-۱۷۵)؛ ولی، با توجه به گرایشهای غلوآمیز ابوالخطاب اسدی، داعیه‌دار این فرقه، و برائت جستن امام صادق علیه السلام از وی در حضور اصحاب (قاضی نعمان، ج ۱، ص ۴۹-۵۰)، قطعاً قرائت خطابیّه از جفر را امامان شیعه تأیید نکرده‌اند.

گزارشهای رسیده حاکی از این است که کتاب جفر در مغرب (مراکش) و در میان خاندان عبدالؤمن نیز موجود بوده است (به مراکشی، ص ۱۸۰؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۵، ص ۱۱۹، پانویس). به نوشته ابن خلکان (ج ۵، ص ۴۸)، محمد بن تومرت (متوفی ۵۲۴) مطالب این کتاب را از عبدالؤمن مراکشی فراگرفته بود (نیز به همان، ج ۳، ص ۲۳۸). همچنین ابن ابی‌اصیبه در کتاب عیون الانباء فی طبقات الاطباء (ص ۴۵۴-۴۵۷) قصیده‌ای منسوب به ابن سینا را آورده که سراینده در آن، بر مبنای برخی محاسبات نجومی و با اعتماد به کتاب جفر منسوب به امیر مؤمنان علی علیه السلام، پیشگوییهای کرده است.

**علم جفر.** اصطلاح جفر به تدریج برای کتابهایی بکار رفت که با حروف و اعداد و رعایت جدولهای مخصوص، روش پیشگویی و انجام برخی امور خارق عادت را به خواننده تعلیم می‌داد. بسیاری از اهل جفر، جفر منسوب به ائمه علیهم السلام

را همین‌گونه می‌دانند و حتی آن را جفر جامع نامیده‌اند (برای نمونه به فخرالدین صفی، ص ۷؛ اخلاطی، ص ۲۱؛ عطاری، ۱۳۶۵ ش، ص ۳)؛ ولی، برای این مدعا در روایات اهل بیت علیهم السلام هیچ دلیلی نیست. جفر به تدریج به دانش پیش‌بینی حوادث آینده نیز اطلاق گردید (به دهخدا؛ فرهنگ بزرگ سخن، ذیل «جفر»). به کسی که جفر می‌دانست، جفّری می‌گفتند (به شوشتری، ص ۴۵۱). بر این اساس، علم جفر با علم حروف و اعداد پیوندی تنگاتنگ پیدا کرد، به گونه‌ای که برخی این علم را همان علم حروف دانسته‌اند (به د. اسلام، چاپ دوم، ذیل «جفر»؛ ذاکری، ص ۳۶).

پایه و اساس علم جفر، حروف الفبای عربی است و در آن از حساب جُمَّل نیز بهره می‌گیرند. حروف الفبا در این علم اساس آفرینش و مبین تجسد کلام الاهی است (به کورین، ص ۱۸۶) و اهل جفر برای هر یک از حروف الفبا، ارزشی نمادین قائل‌اند (به بونی، ج ۳، ص ۳۰۴-۳۱۴، ۳۵۰-۳۵۴). بونی (متوفی ۶۲۲) در بخشهای مختلفی از کتاب شمس المعارف الکبری و لطائف العوارف (جنگی در علوم خفیه، به ویژه علم جفر و اعداد و حروف) به این موضوع اشاره کرده است.

در این علم (به تعبیر صحیح‌تر: فن)، هر یک از ترتیبات مختلف حروف را به اصطلاح «دایره حروف» می‌خوانند (به ابن‌سینا، مقدمه همامی، ص ۴۰) و از ترتیب یا دایره ابجدی بیشتر استفاده می‌کنند (به عطاری، ۱۳۶۵ ش، ص ۱۸-۱۹). اهل جفر بهره‌گیری از الفبای ابجدی را جفر کبیر می‌نامند که یک هزار ریشه را در بردارد و استفاده از الفبای ابجدی را جفر صغیر می‌نامند که تنها هفتصد ریشه را در برمی‌گیرد (حاجی خلیفه، ج ۱، ستون ۵۹۱). برخی از آنان گونه‌ای از جفر را، که جفر متوسط می‌خوانند، بر دیگر روشها ترجیح می‌دهند و آن را در علم اوفاق، برای ساختن طلسمات، به کار می‌برند (همان، ج ۱، ستون ۵۹۲). همچنین گاه، جفّری که در آن از ۲۲ حرف اصلی حروف الفبا استفاده می‌شود، جفر صغیر و جفّری که در آن از جملگی ۲۸ حرف الفبا بهره گرفته می‌شود، جفر کبیر می‌نامند (به د. ا. د. ترک، ذیل «جفر»). اهل جفر، با استناد به شعری منسوب به امام محمدباقر علیه السلام (به عطاری، ۱۳۶۵ ش، ص ۵۲)، ۲۸ حرف الفبا را به چهار بخش هفت حرفی تقسیم می‌کنند و هر یک از این بخشها را به ترتیب ناری (آتش)، هوایی، مائی (آبی) و ثرائی یا ثرابی (زمینی یا خاکی) می‌نامند (به بونی، ج ۳، ص ۳۷۲؛ فخرالدین صفی، ص ۶۷؛ دهمدار، ص ۳)؛ طوخی، ص ۲۷؛ برای اطلاع بیشتر در این باره به ابن‌سینا، همان مقدمه، ص ۴۸-۴۹، قس همان، متن رساله، ص ۸. آنان در یک تقسیم‌بندی دیگر، حروف مقطعه را، که در فواتح سوره‌ها آمده است، نورانی و چهارده حرف دیگر را

مساعدت کرده‌اند، نام دو تن شایان ذکر است: احمد بن علی بونی و محمد بن طلحه نصیبی شافعی (متوفی ۶۵۲). بونی با تألیف کتاب شمس المعارف الکبری و لطائف العوارف یکی از گسترده‌ترین آثار را در این زمینه پدید آورد. به نوشته فهد (د.اسلام، همانجا) این کتاب نخست در سه قطع (وجیز، وسط و بیسط) بوده است و قطع بیسط آن در سالهای ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۴ در قاهره منتشر شده است. به نظر می‌رسد چاپهای گوناگون این کتاب با عنوان شمس المعارف الکبری، ناظر به همان قطع بزرگ کتاب باشد. گفتنی است که جعفر الامام علی بن ابی طالب یا الدر المنظم فی شرح اسرار الاسماء الاعظم، که به ابن عربی منسوب است، عیناً همان فصلهای سی و سوم و سی و چهارم کتاب شمس المعارف الکبری است (همانجا). محمد بن طلحه نیز با تألیف کتاب الجعفر الجامع و النور اللمع یکی از مهم‌ترین تألیفات را در این زمینه پدید آورد و این اثر در ۱۸۴۵/۱۲۶۱ به تحقیق توفل بن نعمت‌الله بن نوفل طرابلسی در بیروت به چاپ رسید. وی بخشهایی از کتاب خود را عیناً از کتاب شمس المعارف بونی اقتباس کرده است. کتابی با عنوان الجعفر الاسود نیز به جابر بن حیان (متوفی ۲۰۰) منسوب است (آقابزرگ طهرانی، ج ۵، ص ۱۲۰). آقابزرگ طهرانی (همانجا) احتمال داده است که این کتاب از جمله رسائلی باشد که امام صادق علیه‌السلام بر جابر املا کرده یا شرحی برای یکی از آن رسائل باشد و توصیف آن به اسود، از آن‌روست که از جعفر ابیض و احمر متمایز گردد.

منابع: آقابزرگ طهرانی؛ شمس‌الدین محمد بن محمود آملی، نفائس الفنون فی عرایس العیون، ج ۲، چاپ ابراهیم میانجی، تهران ۱۳۷۹؛ ابن ابی‌اصیبه، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، چاپ نزار رضا، بیروت [۱۹۶۵]؛ ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، چاپ محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی، بیروت ۱۳۸۳/۱۹۶۳، چاپ افست قم ۱۳۶۴ ش؛ ابن بابویه، الامالی، قم ۱۴۱۷؛ همو، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، نجف ۱۹۷۲، چاپ افست قم ۱۳۶۴ ش؛ همو، علل الشرایع، نجف ۱۳۸۶/۱۹۶۶، چاپ افست قم [بی‌تا.]؛ همو، عیون اخبارالرضا، چاپ حسین اعلی، بیروت ۱۴۰۴/۱۹۸۴؛ همو، کتاب‌الخصال، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۳۶۲ ش؛ همو، کتاب من لایحضره الفقیه، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۴۱۴؛ همو، معانی الأخبار، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۳۶۱ ش؛ ابن بطریق، عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار، قم ۱۴۰۷؛ ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت: دارصادر، [بی‌تا.]؛ ابن خلدون؛ ابن خلکان؛ ابن سینا، کنوز المعرّین، چاپ جلال‌الدین همانی، تهران ۱۳۳۱ ش؛ ابن طلفطقی، الفخری فی الاداب السلطانیة و الدول الاسلامیة، چاپ و. انوارت، گریفزولت ۱۸۵۸؛ ابن فارس؛ ابن قتیبه، کتاب تأویل مختلف الحدیث، قاهره: مکتبة المثنی، [بی‌تا.]؛ ابن منظور؛ محمد ابوزهره، الامام الصادق: حیاته و عصره، آراؤه و فقهه، قاهره ۱۹۹۳؛

ظلمانی دانسته‌اند (ذاکری، ص ۳۴؛ نیز ← بونی، ج ۱، ص ۶۲). در کتابهای جعفر، اسامی حروف را دو قسمت کرده‌اند: قسمت اول جزئی از اسم است که صدای اصلی حرف را می‌رساند، مانند «ا» در الف، «ب» در باء و «ج» در جیم، که آن را زَیْر یا زَیْر نامیده‌اند. قسمت دوم را بَیْته نامیده‌اند که بقیه اسم هر حرف و جزء متمم آن است، مانند «لف» در الف و «یم» در جیم (اخلاطی، رساله فی مصطلحات علم‌الجفر، ص ۱۵؛ ابن سینا، همان مقدمه، ص ۶۱؛ برای نحوه کاربرد این اصطلاحات در کتابهای جعفر ← اخلاطی، همانجا؛ همو، کتاب ذخائر در استخراج و قواعد علم جعفر جامع، ص ۱۵، ۱۷، ۱۹). اهل جعفر، حروف را از نظر زیر و بیته به سه نوع مسروری، ملبوبی و ملفوظی تقسیم می‌کنند (← ذاکری، ص ۲۸-۲۹) و در استخراج سوالات از جعفر جامع، آنها را به کار می‌گیرند (← عطاری، ۱۳۶۵ ش، ص ۵).

جعفر جامع در اصطلاح اهل جعفر جدولی است که با به کارگیری ۲۸ حرف الفبا پدید می‌آید و احوال گذشته و حال و آینده براساس آن معلوم می‌گردد. هر یک از حروف ۲۸ گانه به یک «جزء» منسوب است، هر جزء ۲۸ «صفحه» است، هر صفحه ۲۸ «سطر»، هر سطر ۲۸ «خانه»، و هر خانه چهار «حرف» دارد که حرف اول آن علامت جزء، حرف دوم علامت صفحه، حرف سوم علامت سطر و حرف چهارم علامت خانه است (همان؛ ص ۴-۵، برای توضیح بیشتر ← ص ۱۳۲-۱۳۳؛ همو، ۱۳۵۴ ش، ص ۵۳-۵۴).

در این علم از روشهایی که عموماً «ترکیب حرفی» و «ترکیب عددی» نامیده می‌شود، سخن رفته است (حاجی خلیفه، ج ۱، ستون ۵۹۲). همچنین با انجام دادن اعمالی نظیر استنطاق، بسط و تکسیر بر روی حروف یک سؤال، سعی می‌شود پاسخی برای آن به دست آید (برای نمونه ← عطاری، ۱۳۶۵ ش، ص ۸-۹؛ برای آگاهی از برخی اعمال جعفری ← اخلاطی، رساله فی مصطلحات علم‌الجفر، ص ۲-۴۳؛ ابن سینا، همان مقدمه، ص ۳۹-۶۶).

اهل جعفر برای ساختن طلسمات، معمولاً نام اشخاص، اسما و صفات الهی یا آیات قرآن و یا اذکار و اوراد خاصی را به ترتیبی معین و از طریق محاسبه ابجدی حروف آنها، در اشکال سه اندر سه (مثلث) یا چهار اندر چهار (مربع) و غیره طوری می‌نویسند که جمع اعداد از هر سو (افقی، عمودی و مورب) یکسان شود و یا این که از هر طرف که ابتدا شود، همان کلمه اول خوانده شود (برای نمونه ← عطاری، ۱۳۶۵ ش، ص ۶۲؛ طوخی، ص ۱۰؛ ابن سینا، همان مقدمه، ص ۵۹؛ برای آگاهی بیشتر ← ابن سینا، همان مقدمه، ص ۵۴-۶۰).

از میان مؤلفان بسیاری که در پیشرفت و تحول این فن

كمال‌الدین بن حسین اخلاطی، رساله فی مصطلحات علم الجفر، قم: کتابخانه ارومیه، [بی‌تا.]: همو، کتاب ذخائر در استخراج قواعد علم جفر جامع، الموسوم بذخیره القلوب، قم: کتابخانه ارومیه، [بی‌تا.]: علی بن حسین اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الاثمة، چاپ هاشم رسولی محلاتی، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱؛ محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، [چاپ محمد ذهنی اندلی، استانبول ۱۴۰۱/۱۹۸۱؛ احمد بن محمد برقی، کتاب المحاسن، چاپ جلال‌الدین محدث ارومی، قم [؟ ۱۳۳۱ ش.]: احمد بن علی بنی، شمس المعارف الکبری و لطائف العوارف، قم ۱۴۰۰/۱۹۸۰؛ عمرو بن بحر جاحظ، کتاب الحيوان، چاپ عبدالسلام محمد هارون، مصر [؟ ۱۳۸۵-۱۳۸۹/۱۹۶۵-۱۹۶۹]؛ چاپ افت بیروت ۱۳۸۸/۱۹۶۹؛ علی بن محمد جرجانی، شرح المواقف، چاپ محمد بدرالدین نسانی حلبی، مصر ۱۳۲۵/۱۹۰۷؛ چاپ افت قم ۱۳۷۰ ش.؛ عبدالحمید جندی، الامام جعفر الصادق، قاهره ۱۳۹۷/۱۹۷۷؛ اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية، چاپ احمد عبدالغفور عطار، بیروت [بی‌تا.]: چاپ افت تهران ۱۳۶۸ ش.؛ حاجی خلیفه، حرعالمی؛ محسن حسین زاده باجگیران، «پژوهشی درباره کتاب 'جامعه'»، نشریه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۵۱ و ۵۲ (بهار و تابستان ۱۳۸۰)؛ محمدرضا حسینی جلالی، تدوین السنة الشریفة، قم ۱۳۷۱ ش.؛ خونی؛ دهخدا؛ محمود دهمدار، المختصر فی علم الجفر، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای ملی، ش ۱۳۸۲، نسخه عکسی کتابخانه بنیاد دایرة المعارف اسلامی؛ مصطفی ذاکری، «تاریخچه ابجد و حساب جمل در فرهنگ اسلامی»، معارف، دوره ۱۷، ش ۲ (مرداد - آبان ۱۳۷۹)؛ عبداللطیف بن ابیطالب شوشتری، تحفة العالم، و، ذیل التحفه، چاپ صد موحّد، تهران ۱۳۶۳ ش.؛ حسن صدر، تأسیس الشيعة لعلوم الاسلام، [بغداد ۱۳۷۰]، چاپ افت تهران [بی‌تا.]: محمد بن حسن صفار قمی، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد «ص»، چاپ محسن کوچه باغی تبریزی، قم ۱۴۰۴؛ احمد بن مصطفی طاشکوپری زاده، کتاب مفتاح السعادة و مصباح السيادة، ج ۲، حیدرآباد دکن ۱۴۰۰/۱۹۸۰؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، چاپ محمدباقر موسوی خراسانی، نجف ۱۳۸۶/۱۹۶۶؛ چاپ افت قم [بی‌تا.]: عبدالفتاح سید عیده طوخی، رسائل ابن العربی و ابن سینا، بیروت ۱۹۷۳؛ محمد بن حسن طوسی، الاستبصار، چاپ حسن موسوی خراسانی، تهران ۱۳۹۰؛ معمو، تهذیب الاحکام، چاپ حسن موسوی خراسانی، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱؛ اکرم احمد برکات عاملی، حقیقة الجفر عند الشيعة، بیروت ۱۴۱۶/۱۹۹۵؛ محمد عطاری، گنجینه عطار: حاوی علم جفر و اعداد، تهران ۱۳۵۴ ش.؛ همو، مجموعه علوم جفر، آیات و روایات اسم اعظم، و اشعار شیخ بهائی، قم ۱۳۶۵ ش.؛ محمد بن مسعود عیاشی، کتاب التفسیر، چاپ هاشم رسولی محلاتی، قم ۱۳۸۰-۱۳۸۱، چاپ افت تهران [بی‌تا.]: علی بن حسین فخرالدین صفی، کتاب حرز الامان من فتن الزمان: آثار و خواص حروف ابجد و حروف مقطعة قرآنی و اسماء حسنی ربانی و سور آیات فرقانی، چاپ سنگی [بی‌تا.]: بی‌تا، بی‌تا، فرهنگ بزرگ سخن، به سرپرستی حسن انوری، تهران: سخن، ۱۳۸۱ ش.؛ احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، بیروت ۱۹۸۷؛ نعمان بن محمد

قاضی نعمان، دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام، و القضايا و الاحکام، چاپ آصف بن علی اصغر فیضی، قاهره [۱۹۶۳-۱۹۶۵]، چاپ افت [قم، بی‌تا.]: سعید بن هبة الله قطب راوندی، الخرائج و الجرائج، قم ۱۴۰۹؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، چاپ طیب موسوی جزائری، قم ۱۴۰۴؛ محمد بن عمر کشی، اختیار معرفة الرجال، [تلخیص] محمد بن حسن طوسی، چاپ حسن مصطفوی، مشهد ۱۳۲۸ ش.؛ کلینی؛ هانری کورین، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبائی، تهران ۱۳۷۳ ش.؛ مجلسی؛ کاظم مدیرشانه چی، علم الحديث، مشهد ۱۳۵۴ ش.؛ عبدالواحد بن علی مراکشی، المعجب فی تلخیص اخبار المغرب، چاپ محمد سعید عربان، قاهره ۱۳۶۸/۱۹۴۹؛ محمد بن محمد مرتضی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۰، چاپ ابراهیم ترزی، کویت ۱۳۹۲/۱۹۷۲؛ مجید معارف، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تهران ۱۳۷۴ ش.؛ اسماعیل معزی ملابری، جامع احادیث الشيعة فی احکام الشریعة، قم ۱۳۷۱-۱۳۸۳ ش.؛ محمد بن محمد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم ۱۴۱۳؛ احمد بن علی مقریزی، کتاب الخواص المقریزية، ج ۴، مصر ۱۳۲۶؛ احمد بن علی نسائی، سنن النسائی، بشرح جلال‌الدین سیوطی و حاشیه نورالدین بن عبدالهادی سندی، استانبول ۱۴۰۱/۱۹۸۱؛

*Et<sup>2</sup>, s.v. "Djafir" (by T. Fahd); TDVIA, s.v. "Cefr" (by Metin Yurdağür).*

/ علیرضا بهار دوست /

**جُغْرَه**، واحدهای در لیبی، این واحه در چهارصد کیلومتری جنوب سواحل شمالی (خلیج سُرْت) لیبی واقع شده و شامل سه شهر به نامهای وَدَّان، هُون / حون و سوکته است. واحه جفره در امتداد دره‌ای به طول شصت کیلومتر قرار گرفته است که از مشرق با شهر وَدَّان آغاز می‌شود و در مغرب، با کمی انحراف به سمت جنوب، در شهر سوکته خاتمه می‌یابد (زاوی، ص ۷۷).

کوههای نه چندان بلندی در این واحه وجود دارد، مثل کوه «مشرق» در شمال غربی، هون و وَدَّان در شمال شرقی، میتر در مغرب، و السوده / السوداء در جنوب (د. اسلام، چاپ اول، ذیل ماده).

جفره نیز، مانند دیگر واحه‌های بزرگ لیبی، از جمله طرابلس، مُرْزُق، غَدَامِس، غات، کُفْرَه، جالو، و جَنُوب با ظهور آبهای زیرزمینی در صحرای به وجود آمده است. کمبود آب برای کشاورزی در این منطقه، موجب شده است که اهالی آب باران را ذخیره و در مناطقی نیز آب‌بندهایی در دره‌ها احداث کنند یا حوضچه‌هایی برای نگهداری آب باران حفر کنند. آنان هنوز هم آب‌انبارهای احداثی دوره رومیان را حفظ کرده‌اند. آبهای زیرزمینی به صورت چشمه و چاه، مثل دیگر مناطق صحرایی